



درسهای از

مکتب اسلام

شماره ۶ سال ۱۵

خرداد ماه ۱۳۵۳ جمادی الاولی ۱۳۹۲

تبلیغات پی گیر مسیحیت

وظیفه مادر بر این مهمه تبلیغات مسموم کننده چیست ؟

این روزها مسیحان دست به تبلیغات شدیدی در مجامع ما زده اند . و کتابها و جزوه های تبلیغی را که در سطوح مختلف بر اق حلقه ها گوناگون تهیه و تنظیم شده است مانند « آب خوردن » همه جان در سترس افرامی گذارند ، در مراکز تبلیغی خود نشان از طریق پست ، در صنف انبوس با پول ، بی پول ، وحشی در چانه ها از بی زلفان و غیره « بر سواد ختر » یا « تر ساسر » خویش آنها را تحویل میدهند و سلسله موردی های هنگفتی صرف این کتابها که غالباً به شکل زیبایی چاپی شده اند کنند .

البته این تبلیغات گوشه ای از تبلیغات وسیع و جهانی کلیسا است که برای تعمیر پایه های فرسوده خود که از هر طرف در حال فرو ریختن است صورت میدهد .

نیاز به یاد آوری ندارد که آنها علاوه بر « تبلیغات مستقیم و صریح » « تبلیغات غیر مستقیم » نیز از طریق فیلمها ، مؤسسات به اصطلاح مطبوعاتی ، مراکز به اصطلاح فرهنگی ، مراکز زمانی و بهداشتی و انجمنهای به اصطلاح تسلیحات اخلاقی ، و « ملحقات » و « ملحقات » و « وابسته ها » و « پیوسته های دیگر انجام می دهند که کاملاً حساب شده است ، بسیاری از مردم

هم این نشریات را گرفته است بسته برای ما می فرستد ، و از ما پاسخ میطلبد .

ولی در اینجا دو موضوع است که کاملاً باید به آن توجه داشت :

نخست اینکه: جای شکرش ناقلی است که معارف ضعیف و ناچیز مذهب مسیحیت کنونی با آنچه تعریف و تحریفات و تحریفات و در برابر معارف وسیع و پرمایه اسلام آنچنان ناتوان است که مسیحیت با اینکه تبلیغات بی گیر و بی اساس به پیروزیهای ناچیزی رسیده است (هرگز نمی گوئیم بی اثر بوده بلکه می گوئیم در برابر آنچه صرف نیرو و انرژی و تلاش و کوشش این پیروزی ناچیز بوده است)

این يك واقعت است ، تعصب و خیال و افسانه نیست ، واقعتی که حتی خودشان به آن معتقدند ، همین امروز جوان تحصیل کرده های میکت در اروپا گفته بودم ، استاد آلمانی من (که احتمالاً کشیش هم بود) اظهار تعجب میکرد می گفت: نمی دانم چه عاملی سبب شده که ما این همه تلاش و کوشش و بودجه هنگفتی که در آخر یقاً صرف می کنیم باز مسلمانان در آن ماند **قارچ !** (البته به تعبیر او) سبز می شود !

یعنی امروزه همین موضوع گیری اسلام در برابر مسیحیت در صحنه و آفریقا کاملاً روشن است ، مسیحیت با امکانات وسیع و تبلیغات فوق العاده و راه دار ، و اسلام با تبلیغات ضعیف و محدود وجود ، در برابر یکدیگر در این فاصله بزرگ قرار گرفته اند ، نتیجه همان است که در کتابها و جرائد می خوانیم که اسلام به سرعت آفریقا را فرا می گیرد .

اسناد رسوائی

نوشته های تبلیغی کذباً با نام دینی که از جنبه های روانی و فکری و اجتماعی در آن می شود اثر **ضعف میانی و مدارک اولیه** گاهی به شکل اسناد تخریبی برای کلیسا درمی آید ، و مخصوصاً در مجله های اسلامی که مردم آشنا به توحید صریح و روش اسلام ، با کمبود و معصوم بودن پیامبران ، و لزوم هماهنگی میان دین و دانش هستند ، و آنچه غیر منطقی باشد جزء دین نمی دانند ، وسیله خوبی برای نشان دادن پایه های ضعیف و فرسوده کلیسا است .
مثلاً در کتابی که تحت عنوان **دانشگاه ابراهیم** از طرف همین «انجمن کتب مقدسه» تهران در دهه هزار سیصد و ... (البته در یک جاب) به عنوان یک سند انکار انشایافته در صفحه ۷۶ درباره این پیامبر بزرگ الهی چنین می خوانیم :

« چون نزدیک به ورود حضرتش برین خود «ساری» گفت اینک میگذارم که نوزد نیگو - مظهر هستی، همانا چون اهل مصر تر ایتد گویند این زوجه نوست، پس مرا بکشند و ترا زننده نگاه دارند، پس بگو که تو خواهر من هستی ! نا بخاطر تو برای من خبریت شوده و جانم بسبب

نوزنده مانده ، و بمجرد ورود و ابراهیم بمصر اهل مصر آن زنا دیند که بسیار خوش منظر است و امرای فرعون او را دیدند ، او را در حضور فرعون ستودند ، پس وی را خانه فرعون در آوردند و بخاطر وی با «ابراهیم» اسکان نمود ، و او صاحب میشا و گاو و چهارزان و غلامان و کثیران و ماده الاغان و شتران شد ، و خداوند فرعون و اهل خانه او را بسبب سازی زوجه ابراهیم به بلاهای سخت مبتلا ساخت ، و فرعون ابراهیم را خوانده گفت: این چیست که بمن کردی؟ چرا مرا خبر ندانی که او زوجه است ، چرا گفتی او خواهر منست که او را بزنی گرفتم و الان اینک زوجه تو ، او را برداشته روانه شو ، آنگاه فرعون در خصوص وی کسان خود را امر نمود تا او را با زوجه اش و تمام ما بکشند روانه نموده ...



این است برداشت کلیسای کنونی از زندگی **یک پیامبر بزرگ راستین** ، چه نتهای نادروائی که به اینشیشوی بزرگ بشریت در همین عزت کوتاه نداده اند ؛ به او نسبت داده اند که همسر خود (سازد) را به عنوان اینکه خواهر او است و شوهر ندارد به ازدواج فرعون در آورد تا صاحب گاو و شتران و گوسفندان شود و خبریت ! بیند ، آنگاه هنگامی که فرعون فهمید همسر ابراهیم است نه خواهر او ؛ به رنگ غرورش برخورد ، و ابراهیم را ملامت کرد که چرا حقیقت را هاش نکردی و مرا به چنین گناهی آلوده ساختی ؟ ...

آیا به عقیده شما اینها متنعای رسوائی کلیسا محسوب نمی گردد؟ و نشانه ضعف معارف و خرافاتی بودن کتابهای به اصطلاح مقدسه آنان نیست؟ و این است سر علم پیروزی چشمگیر کلیسا در مجله های اسلامی .

اما موضوع دومی که توجه به آن نهایت لزوم را دارد این است که ؛ دمای امروزینای تبلیغات است ، و نادیده گرفتن این تبلیغات وسیع به هیچوجه عاقلانه نخواهد بود .
شیء به اینکه روح اسلام و واقفیت این آئین ، و منطبق زنده ، و احکام و معیشت آنرا حفظ می کند ، قناعت کردن ، بر حلال اصول برنامه های اسلام می باشد .

اگر چنین بود پیامبر اسلام نباید آنچه جهاد کند ، آنچه خون دل بخورد آنچه در راه دعوت به سوی اسلام و بشر حقایق آن رنج ببرد ، خوب بود او هم دست روی دست می گذارد تا روح اسلام - اسلام را به پیش برد .

تبلیغات ، خوب یا بد ، بالاخره مؤثر است ، اگر امروز ما فرزندان و برادران و خردسالان خود را بیدار نکنیم و از اسلام فقط نامی بشنوند ، سقوط آنها در دامان مسیحیت تحریف یافته ،

بقیه در صفحه ۸

جهانی را که قوم وی با ملت هر دو امپراطور روابط بازرگانی داشتند به آیین تو حید دعوت کرده است با لیاحت و تشکیک‌های بی‌اساس آن‌ها یک نام مجال و مستعقل قلمداد می‌کنند و با کمال و قیامت می‌گویند: محمد (ص) جز حجاز جای دیگر را نمی‌شناخت، در صورتی که آنحضرت در سن ۱۲ سالگی همراه اعموی خود به شام رفته و در سن جوانی بازرگانی خدیجه را از مکه تا شام به عهده داشته. و همراه کاروان به شام مسافرت می‌کرد با این وضع می‌گویند که محمد (ص) جز عربستان جای دیگر را نمی‌شناخت... ۱

«موضوع جهانی بودن رسالت بعد از به وجود آمده است» در صورتی که قرآن در آیات فراوانی جهانی بودن رسالت را مطرح کرده و خود پیامبر (ص) با نامه‌های دعوتی خود موضوع را پیاده کرده است بر اسی هر موقع ما، در تاریخ می‌خوانیم که بزرگواران یونانی (اسکندر مقدونی) می‌خواست فرمانروای جهان شود و بسا می‌شنویم که ناپلئون تشکیل امپراطوری جهانی را در سر می‌پروراند، هرگز اعیان و شگفتی به مادست نمی‌دهد ولی هر موقع دسته‌ای از جاوید شناسان می‌شنوند که رهبر بزرگ مسلمانان به فرمان خداوند دو امپراطور بزرگ

(بقیه از صفحه ۳)

مادیگری و مانرنا بسم. و مذاهب ساختگی استعماری حسی خواهد بود.

چرا ما که سرمایه غنی اسلامی و محرومیت طلبه‌های داریم از این وسائل تبلیغاتی روز استفاده نکنیم؟! ۱

چرا ما در لاک خودمان هر روزیم و هنگام چشم بگشاییم که نیلایات مسموم ادیان تحریف یافته تری خانه‌های ما سرزده است؟ ۲

چرا هر کدام از ما بگذرانیم خود از نشریات و کتابهای مختلف اسلامی که حوشنا به امروزه زبان ساده و روشین در ایام طغیان کجاست داریم و منتشر نمی‌کنیم؟

چرا در همه شهرستانها انجمنهایی برای پخش کتب اسلامی مخصوصاً در میان جوانان و نوجوانان تأسیس نکنیم، و در این راه سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم؟ ۳

اینها امروز شعبه مهمی از جهاد فکری اسلامی است که در دستگاه خداوند بزرگوار پیشوایان اسلام مخصوصاً حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه در برابر آن مسزیم و آرزوهای بسیاری از کارهای

دیگر باید مقدم بشماریم.